

بررسی نقش حمایت مالی دولت بر رابطه بین کنترل داخلی و انعطاف پذیری مالی

رسول فرساد^۱

سمیرا هنربخش^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین کنترل‌های داخلی و انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش تعدیل‌گر حمایت مالی دولت بود. در این راستا، داده‌های ۱۰۱ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ جمع‌آوری و با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد کنترل‌های داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها دارد و موجب بهبود ظرفیت مالی و کاهش محدودیت‌های تأمین مالی می‌شود. در عین حال، متغیر حمایت مالی دولت و اثر تعاملی آن با کنترل‌های داخلی معنادار نبوده و نقش تعدیل‌کننده معتبری را در این رابطه ایفا نکرد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها با تقویت سیستم‌های کنترل داخلی و کاهش وابستگی به حمایت‌های مالی دولتی، سطح انعطاف‌پذیری مالی خود را ارتقا دهند.

واژگان کلیدی

کنترل‌های داخلی، انعطاف‌پذیری مالی، حمایت مالی دولت، بورس اوراق بهادار تهران

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد زرین دشت، دانشگاه آزاد اسلامی، زرین دشت، ایران.

^۲ استادیار، گروه حسابداری، واحد زرین دشت، دانشگاه آزاد اسلامی، زرین دشت، ایران. (* نویسنده مسئول: samirahonar@gmail.com)

۱. مقدمه

نظریه انعطاف‌پذیری در سال‌های اخیر به یکی از مفاهیم محوری در حوزه مدیریت و مالی سازمان‌ها تبدیل شده است. با این حال، تعاریف و دیدگاه‌های متعددی درباره ماهیت و ابعاد «انعطاف‌پذیری» وجود دارد و اینکه سازمان‌ها چگونه می‌توانند این مفهوم را در ساختارهای سازمانی و فرآیندهای عملیاتی خود تجسم بخشند، موضوعی است که همچنان مورد بحث و تحقیق قرار دارد. انعطاف‌پذیری سازمانی به توانایی واحدهای کسب‌وکار برای پیش‌بینی، آماده‌سازی، پاسخ‌دهی و انطباق مؤثر با تغییرات تدریجی و شوک‌های ناگهانی اشاره دارد که هدف آن حفظ و ارتقای عملکرد و تحقق اهداف استراتژیک سازمان است. در سطح عملی، این قابلیت مستلزم ظرفیت بازگشت از شکست‌ها و استفاده هوشمندانه از تجربیات و درس‌های آموخته شده است، به گونه‌ای که تهدیدهای محیطی به فرصت‌های رقابتی تبدیل شوند (هوداکووا و لاهوتا، ۲۰۲۰).

در مواجهه با پیچیدگی‌های فزاینده محیط‌های کسب‌وکار مدرن و عدم قطعیت‌های ذاتی آن‌ها، ایجاد سازوکارهای کنترل داخلی کارآمد، ضرورتی انکارناپذیر برای حفظ پایداری و سازگاری سازمان‌ها محسوب می‌شود. کنترل داخلی به عنوان مجموعه‌ای نظام‌مند از سیاست‌ها، رویه‌ها و فرآیندها طراحی شده است تا اطمینان معقولی به مدیریت در خصوص دستیابی به اهداف سازمانی از جمله صحت عملیات، انطباق با قوانین و مقررات و حفاظت از دارایی‌ها ارائه دهد (یانکنسگارد، ۲۰۲۴). کنترل داخلی، علاوه بر تضمین انطباق حقوقی و گزارشگری مالی شفاف، عاملی کلیدی در بهبود اثربخشی و کارایی فعالیت‌های تجاری است که می‌تواند نواقص قراردادی، عدم تقارن اطلاعاتی و محدودیت‌های تامین مالی را کاهش دهد و در پیشگیری و مدیریت ریسک‌های سازمانی نقش مؤثری ایفا کند (الکساندر و همکاران، ۲۰۱۳). از منظر نظریه طراحی نهادی، کنترل داخلی سالم و اثربخش تضمینی بنیادین برای ارتقای کیفیت افشای اطلاعات، حاکمیت شرکتی و اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شواهد و منطق مدیریتی است که نهایتاً موجب تقویت انعطاف‌پذیری مالی سازمان می‌شود (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲). انعطاف‌پذیری مالی، توانایی سازمان در تأمین منابع مالی کافی برای پاسخگویی به بحران‌ها، بهره‌برداری از فرصت‌های جدید و حفظ رقابت‌پذیری در محیط‌های نامطمئن است.

در سال‌های اخیر و به ویژه در پی بروز بحران‌های اقتصادی و مالی جهانی، دولت‌ها به عنوان بازیگران کلیدی در ایجاد ثبات اقتصادی، از طریق ابزارهایی مانند حمایت‌های مالی مستقیم یا غیرمستقیم، نقش پررنگی در کمک به شرکت‌ها ایفا کرده‌اند (لیمو و همکاران، ۲۰۱۸). حمایت مالی دولت به مجموعه سیاست‌ها و اقدامات مالی اطلاق می‌شود که با هدف کاهش فشارهای اقتصادی بر شرکت‌ها، حفظ اشتغال، و تقویت توان رقابتی آن‌ها در شرایط بحرانی ارائه می‌گردد (رازوموسکایا و همکاران، ۲۰۲۰). با این حال، دریافت حمایت‌های دولتی همواره بدون چالش نیست؛ بوروکراسی نظارتی و فرآیندهای پیچیده اداری می‌تواند منابع و زمان مدیران را به خود اختصاص دهد و در برخی موارد منجر به کاهش تمرکز آن‌ها بر بهبود عملکرد و نوآوری شود (سیاوهوندو و همکاران، ۲۰۲۰؛ عبدالله، ۲۰۲۱). این موضوع می‌تواند اثر معکوسی بر تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها در مواجهه با بحران‌ها داشته باشد (راپاچینی و همکاران، ۲۰۲۰). در عین حال، کنترل‌های داخلی قوی می‌توانند این آثار منفی را تعدیل کرده و نقش مؤثری در بهبود عملکرد و افزایش انعطاف‌پذیری مالی ایفا کنند (ژو و سونگ، ۲۰۲۱). با توجه به اهمیت روزافزون انعطاف‌پذیری مالی برای بقا و رشد شرکت‌ها در محیط‌های پویا و بحران‌زده، بررسی تعامل میان کنترل داخلی، حمایت مالی دولت و انعطاف‌پذیری مالی، نه

تنها از منظر نظری بلکه در راستای بهبود راهبردهای مدیریتی و سیاست‌های حمایتی دولت، موضوعی حیاتی و راهبردی است که می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه‌تر در مدیریت ریسک و ارتقای عملکرد شرکت‌ها منجر شود.

۲. مبانی نظری

کنترل داخلی به مجموعه‌ای از فعالیتهای مدیریتی پویا و مستمر گفته می‌شود که در طول زمان دستخوش تحول و بهبود می‌گردد تا فرآیندهای سازمان را بهینه و ریسک‌ها را مدیریت کند. بر اساس نظریه قابلیت پویا، شرکت‌هایی که دارای سیستم کنترل داخلی قوی هستند، در مواجهه با بحران‌ها از مزیت رقابتی قابل توجهی برخوردارند؛ زیرا این سیستم‌ها ظرفیت مقاومت و توانایی بازیابی سازمان را بهبود می‌بخشند (تیکو و همکاران، ۱۹۹۷). بحران‌های اقتصادی معمولاً با رکود بازار و محدودیت‌های مالی همراه هستند و در چنین شرایطی، سیستم کنترل داخلی به عنوان یک «جاذب شوک سازمانی» عمل می‌کند که با محافظت از منابع مالی شرکت، اثرات شوک‌های خارجی را کاهش داده و مقاومت سازمان را افزایش می‌دهد (کرایتون و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، ذخایر مالی شکل گرفته از طریق کنترل داخلی قوی، نه تنها تعهد کارکنان را حفظ می‌کند، بلکه فرآیند تعدیل و بهبود سریع پس از بحران را تسهیل می‌نماید (گیتل و همکاران، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، کنترل داخلی سطح شفافیت اطلاعات مالی را افزایش داده و مانع از انحراف طولانی مدت قیمت سهام از ارزش ذاتی شرکت می‌شود که این موضوع به بهبود عملکرد شرکت در پسا کرونا کمک می‌کند. بنابراین، کنترل داخلی نقش اساسی در افزایش مقاومت و بازیابی سازمانی دارد که این دو شاخص، جلوه‌ای از انعطاف‌پذیری مالی شرکت به شمار می‌آیند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲). انعطاف‌پذیری مالی به عنوان توانایی شرکت در دسترسی به منابع مالی و بازسازی ساختار سرمایه با هزینه پایین تعریف می‌شود و نشان‌دهنده ظرفیت شرکت برای واکنش به شوک‌های ناگهانی در جریان نقدینگی و بهره‌برداری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری است (گریگوری، ۲۰۲۰). اهمیت انعطاف‌پذیری مالی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک شرکت‌ها به‌ویژه در شرایط نامطمئن اقتصادی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (داداش‌زاده و حجازی، ۱۳۹۹). شرکت‌های دارای انعطاف‌پذیری مالی بالا قادرند به موقع منابع مورد نیاز را تأمین و سیاست‌های مالی و سرمایه‌گذاری خود را با شرایط محیطی تطبیق دهند (ارسلان‌آیدین و همکاران، ۲۰۱۴). برخی تحقیقات نشان داده‌اند که انعطاف‌پذیری مالی به طور مستقیم بر رفتارهای تأمین مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیرگذار است (دونگ و گو، ۲۰۱۰؛ مین و اسمیت، ۲۰۱۶). برای نمونه، شرکت‌هایی که با محدودیت‌های تأمین مالی مواجه‌اند، ممکن است به جای پرداخت سود نقدی، به بازخرید سهام روی آورند.

در این میان، حمایت مالی دولت به عنوان یکی از ابزارهای سیاست اقتصادی، نقش مهمی در تقویت انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها ایفا می‌کند. حمایت دولت از طریق سیاست‌های مالیاتی، کاهش هزینه‌ها و تسهیلات اعتباری، می‌تواند فشارهای مالی شرکت‌ها را کاهش داده، عملیات تجاری را پایدار سازد و در نهایت تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری مالی آن‌ها را ارتقاء دهد (لیو و همکاران، ۲۰۲۱؛ کیم، ۲۰۱۳). کنترل داخلی به عنوان یک مکانیسم کلیدی حاکمیت شرکتی، نه تنها تضاد منافع و مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد، بلکه رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت را کنترل می‌کند (الکساندر و همکاران، ۲۰۱۳). بر پایه نظریه مبتنی بر منابع، تخصیص و مدیریت مؤثر منابع، به‌ویژه در محیط‌های پویا، برای بقا و رشد شرکت‌ها ضروری است؛ زیرا این امر به توسعه قابلیت‌های تطبیقی کمک می‌کند که می‌تواند اثرات شوک‌های خارجی را تخفیف دهند (پارکر و امین، ۲۰۱۸). کنترل داخلی با افزایش کارایی تخصیص منابع و مدیریت ریسک‌های عملیاتی، موجب تقویت انعطاف‌پذیری مالی می‌شود (پتروزی و لویر، ۲۰۱۶). شرکت‌هایی که سیستم کنترل داخلی قوی

دارند، قادرند تغییرات محیطی را سریع‌تر شناسایی و ریسک‌ها را بهتر مدیریت کنند؛ همچنین، این شرکت‌ها با ساختار سازمانی منظم، خطوط زنجیره تامین هموار و منابع مالی کافی، مقاومت بالاتری در برابر بحران‌ها دارند (لیسین و همکاران، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، کنترل داخلی توسعه یافته زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ نوآوری شده که می‌تواند ظرفیت تطبیق‌پذیری سازمان را افزایش دهد (چانگ و همکاران، ۲۰۱۵). با این حال، در شرایط بحرانی مانند شوک‌های اقتصادی یا اصطکاک‌های تجاری، ظرفیت عملیاتی شرکت‌ها کاهش می‌یابد و علاوه بر سیستم‌های داخلی، حمایت قوی خارجی به‌ویژه حمایت‌های مالی دولت ضروری است. حمایت‌های دولت از طریق سیاست‌های مالیاتی، کاهش هزینه‌ها و افزایش خدمات حمایتی، نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری و تسریع روند بهبود پس از بحران دارد (دئو و لی، ۲۰۱۹). این حمایت‌ها موجب افزایش اعتماد و انسجام کارکنان شده و ذخایر مالی شرکت‌ها را پس از بحران افزایش می‌دهد که توان پاسخگویی و بازیابی سریع را بهبود می‌بخشد (کینزبرگن و مولتوف، ۲۰۲۱). بنابراین، حمایت مالی دولت می‌تواند تاثیر مثبت کنترل داخلی بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها را تقویت کند و موجب هم‌افزایی در مقاومت و پایداری سازمان شود (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲). در ادامه، به بررسی پیشینه تحقیق مرتبط با کنترل داخلی، انعطاف‌پذیری مالی و نقش حمایت‌های مالی دولت پرداخته می‌شود.

نقاشیان (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی تاثیر انعطاف‌پذیری مالی بر ناتوانی مالی با کمک رگرسیون پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین انعطاف‌پذیری مالی با ناتوانی مالی شرکت‌های تولیدی محصولات ورزشی رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد. بر اساس نتایج تحقیق شرکت‌های ورزشی برای فرار از ناتوانی مالی باید همواره انعطاف‌پذیری مالی خود را بهبود دهند. با توجه به پیشرفت مستمر دانش و ریسک‌های موجود شرکت‌ها برای ماندن در صحنه رقابت نمی‌توانند از سیاست‌های حفظ انعطاف‌پذیری دوری گیرند.

دارابی و موسوی (۱۴۰۳)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین انعطاف‌پذیری مالی بر استراتژی سرمایه‌گذاری پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که انعطاف‌پذیری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری تاثیر معنی‌داری دارد ولی بر استراتژی‌های مدیریت سرمایه در گردش تاثیرگذار نمی‌باشد. از طرفی دیگر انعطاف‌پذیری مالی با در نظر گرفتن نوع استراتژی استراتژی سرمایه در گردش شرکت‌ها بر کارایی سرمایه‌گذاری آنها تاثیرگذار نمی‌باشد.

بختیاری (۱۴۰۳)، در پژوهشی به بررسی نقش کنترل‌های داخلی بر رابطه بین محدودیت‌های مالی شرکت‌ها و چسبندگی هزینه‌ها پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین محدودیت‌های مالی و چسبندگی هزینه‌ها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین کنترل داخلی نقش تعدیل‌کننده‌ای بر رابطه بین محدودیت‌های مالی و چسبندگی هزینه دارد. در واقع، ضعف در کنترل داخلی، رابطه مثبت بین محدودیت‌های مالی و چسبندگی هزینه‌ها را تشدید می‌کند.

وانگ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کنترل داخلی بر انعطاف‌پذیری شرکت و مکانیسم عملکرد حمایت دولت پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که کنترل داخلی به طور قابل توجهی انعطاف‌پذیری شرکت را در طول یک بحران بهبود می‌بخشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که حمایت دولت می‌تواند انعطاف‌پذیری شرکت‌ها را در طول بحران از طریق سیاست‌های مالیاتی و مالی افزایش دهد.

وئو و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی به بررسی اثرات تعدیل‌کننده کارایی سرمایه‌گذاری و مقیاس سرمایه‌گذاری بر رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در ایالات متحده پرداختند و نتایج حاکی از آن بود که انعطاف‌پذیری مالی از طریق کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. انعطاف

پذیری مالی به افزایش عملکرد حسابداری و بازار شرکت کمک می کند. علاوه بر این، کارایی سرمایه گذاری و مقیاس سرمایه گذاری اثرات تعدیل کننده ای بر رابطه بین انعطاف پذیری مالی و عملکرد شرکت دارند. با این حال، تأثیر کارایی سرمایه گذاری بیشتر از تأثیر مقیاس سرمایه گذاری است. در نهایت، اثرات مستقیم و غیرمستقیم انعطاف پذیری مالی بر عملکرد بازار قوی تر از عملکرد حسابداری است، که نشان می دهد بازار نسبت به سیاست های مالی شرکت حساس تر است.

نگوئین و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر استراتژی های انعطاف پذیری مالی بر اثربخشی مدیریت ریسک شرکت های پذیرفته شده ویتنامی پرداختند و نتایج حاکی از آن بود که استراتژی های انعطاف پذیری مالی از طریق کاهش ریسک شرکت و عملکرد شرکت تأثیر منفی بر اثربخشی مدیریت ریسک شرکت ها دارد.

وئو و همکاران^۱ (۲۰۲۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر انعطاف پذیری مالی بر عملکرد شرکت با نقش اثرات تعدیل کننده کارایی سرمایه گذاری و مقیاس سرمایه گذاری پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که انعطاف پذیری مالی از طریق کاهش سرمایه گذاری بیش از حد، ناکارآمدی سرمایه گذاری را کاهش می دهد. انعطاف پذیری مالی به افزایش عملکرد حسابداری و بازار شرکت کمک می کند. علاوه بر این، کارایی سرمایه گذاری و مقیاس سرمایه گذاری اثرات تعدیل کننده ای بر رابطه بین انعطاف پذیری مالی و عملکرد شرکت دارند. با این حال، تأثیر کارایی سرمایه گذاری بیشتر از تأثیر مقیاس سرمایه گذاری است.

نگوئین و همکاران^۲ (۲۰۲۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر استراتژی های انعطاف پذیری مالی بر اثربخشی مدیریت ریسک شرکت ها و مکانیسم این تأثیرات را با تمرکز بر شرکت های فهرست شده ویتنامی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که استراتژی های انعطاف پذیری مالی از طریق کاهش ریسک شرکت و عملکرد شرکت تأثیر منفی بر اثربخشی مدیریت ریسک شرکت ها دارد.

۳. فرضیه های پژوهش

این پژوهش شامل دو فرضیه به شرح زیر است:

فرضیه اصلی اول: بین کنترل های داخلی با انعطاف پذیری مالی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: نقش حمایت مالی دولت بر رابطه بین کنترل های داخلی با انعطاف پذیری مالی تأثیر معناداری دارد.

۴. جامعه آماری، ابزارهای گردآوری و روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ است که پس از اعمال شروط حذف شرکت های مالی و بانک ها، تغییر سال مالی، خروج از بورس و نبود داده های مالی لازم، تعداد ۱۰۱ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده ها از طریق صورت های مالی، گزارش های هیئت مدیره و سامانه کدال گردآوری شده و پس از طبقه بندی اولیه با نرم افزار اکسل، تحلیل های آماری با نرم افزار *EViews* انجام گرفت. این پژوهش از نوع پس رویدادی، کاربردی و نیمه تجربی بوده و برای بررسی روابط بین متغیرها از روش توصیفی-همبستگی استفاده شده است. همچنین، مبانی نظری و ادبیات موضوع از منابع کتابخانه ای و مقالات معتبر داخلی و بین المللی استخراج شده است.

¹ Wu

² Quang Khai Nguyen et al

۵. متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

انعطاف پذیری مالی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. براساس تعاریف موجود و طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران از مفاهیم جریان‌های نقدی برای ارزیابی تاب آوری مالی استفاده شد. معیار مورد نظر در زمینه جریان‌های نقدی در این پژوهش، جریان نقد آزاد شرکت است. برای محاسبه جریان نقد آزاد شرکت از سود عملیاتی قبل از هزینه استهلاک پس از کسر وجوه پرداختی بابت مالیات، هزینه بهره، سود سهامداران ممتاز و سود سهامداران عادی به دست می‌آید و با تقسیم بر مجموع دارایی‌ها استاندارد استفاده می‌شود. این مدل در رابطه (۱) نشان داده شده است:

رابطه (۱):

$$FCF_{i,t} = \frac{INS_{i,t} - TAX_{i,t} - IEXP_{i,t} - DIV_{i,t}}{Asset_{i,t}}$$

که در آن جریان‌های نقد آزاد شرکت FCF_t ، سود عملیاتی قبل از کسر هزینه استهلاک INS_t ، کل مالیات پرداختی TAX_t ، هزینه‌های مالی $IEXP_t$ و سود پرداختی به سهامداران DIV_t برای شرکت i در سال t تعریف شده‌اند. متغیر مستقل پژوهش حاضر، کنترل داخلی در نظر گرفته شده است و یک متغیر دو وجهی می‌باشد. جهت اندازه‌گیری این متغیر از گزارش حسابرسی مستقل استفاده شده است. از آنجایی که نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی در صورتی که با اهمیت باشد در گزارش حسابرسی تحت یکی از بندهای شرط لحاظ می‌شود و سایر نقاط ضعف طی نامه مدیریت ارائه می‌شود، لذا در این پژوهش، در صورتی که در گزارش حسابرسی مستقل سیستم کنترل داخلی دارای ضعف با اهمیت نباشد، حاکی از کیفیت کنترل داخلی بوده و مقدار آن یک در نظر گرفته می‌شود. همچنین در صورتی که در گزارش حسابرسی مستقل به ضعف سیستم کنترل داخلی تصریح شده باشد، مقدار این متغیر صفر در نظر گرفته می‌شود (توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل، ۱۳۹۷).

متغیر تعدیل‌گر پژوهش حمایت مالی دولت است. ارزش حمایت دولت از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی افشا شده توسط شرکت حاصل می‌شود. با این حال، در این پژوهش به تبعیت از پژوهش کو و لئو (۲۰۲۲)، چن و ژو (۲۰۲۳) و بشیری منش و دهقانی (۱۴۰۰) برای اندازه‌گیری حمایت دولت از فروش صادراتی به کل فروش شرکت استفاده می‌شود. در واقع هرچه جمع فروش صادراتی بیشتر باشد، ارتباط شرکت با وزارت صنعت و معدن بیشتر خواهد بود. وزارت صنعت و معدن با دارا بودن بیشترین سهم اقتصادی کشور، دارای تعامل گسترده‌ای با سایر بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی کشور است. این وزارتخانه برای شرکتهای دارای توان بالای صادرات کالا، امکان استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای تأمین تامین سرمایه ثابت، دریافت ارز دولتی برای تأمینتامین مواد اولیه و معافیت‌های گمرکی را فراهم می‌سازد. همچنین در ایفای تعهدات ارزی برای این شرکت‌ها تخفیف قائل می‌شود.

در پژوهش حاضر براساس پیشینه پژوهش چن و ژو (۲۰۲۳) و رحمانیان کوشککی و مطاعی (۱۴۰۲) مجموعه‌ای از عواملی که بر تاب آوری تأثیرگذار هستند به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است، که عبارتند از:

اهرم مالی (LEV): برای محاسبه اهرم مالی از نسبت ارزش دفتری مجموع بدهی‌ها به ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها شرکت i در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

اندازه شرکت ($Size$): برای محاسبه متغیر اندازه شرکت از معیارهایی نظیر لگاریتم مجموع دارایی‌ها شرکت i در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

بازده دارایی‌ها (ROA): برای محاسبه متغیر بازده دارایی‌ها از سود قبل از مالیات و هزینه بهره (سود خالص عملیاتی) به میانگین مجموع دارایی‌ها شرکت i در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود. همان‌گونه که در قسمت‌های قبل توضیح داده شد، بر اساس متغیرهای تعریف شده الگوی پژوهش به صورت زیر برآورد می‌شود:

الگو فرضیه اصلی اول

$$FFP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ICQ_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگو فرضیه اصلی دوم

$$FFP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ICQ_{i,t} + \beta_2 Subs_{i,t} + \beta_3 Subs_{i,t} * ICQ_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۶. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است. جدول شماره ۱ نشان‌دهنده میانگین، حداکثر، حداقل و انحراف معیار است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین در حدود ۰/۰۹۱ است و مثبت بودن این عدد حاکی از این است که شرکت‌ها برای مواجهه با شرایط بحرانی از وجوه مازاد برخوردارند. از طرفی دیگر میانگین مقدار کنترل داخلی ۰/۶۷۰ و حداقل و حداکثر مقادیر به ترتیب ۰ و ۱ است. در مجموع، سطح کنترل داخلی شرکت‌های بورسی در سطح بالایی است که نشان می‌دهد مجموعه‌ای از مقررات ارائه شده توسط دولت اجرا شده است و شرکت‌ها ضعف با اهمیت ندارند. متغیر حمایت دولت دارای میانگین ۰/۰۱۹ است که نشان می‌دهد شرکت‌ها به طور متوسط از یارانه مالی دولت استفاده می‌کنند.

جدول (۱): آمار توصیفی

نام متغیر	تعداد	میانگین	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی
کنترل داخلی	۸۰۸	۰/۶۷۰	۱/۰۰	۰/۴۷۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰	-۱/۵۲۸
انعطاف پذیری مالی	۸۰۸	۰/۰۹۱	۰/۰۶۷	۰/۲۰۳	-۰/۶۷۸	۰/۸۱۵	۳/۴۸۹
حمایت دولت	۸۰۸	۰/۰۷۱	۰/۰۱۹	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	۰/۸۸۲	۱۱/۹۵۱
اهرم مالی	۸۰۸	۰/۵۴۴	۰/۵۳۵	۰/۲۱۱	۰/۰۳۱	۱/۵۰۵	۳/۹۲۲
اندازه شرکت	۸۰۸	۱۵/۴۲۲	۱۵/۱۶۱	۱/۶۳۸	۱۱/۶۷۱	۲۱/۵۷۱	۴/۱۴۱
بازده دارایی‌ها	۸۰۸	۰/۱۹۴	۰/۱۷۱	۰/۱۸۰	-۰/۵۶۲	۰/۹۷۲	۳/۹۶۳

۷. برآورد مدل و آزمون فرضیه

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده و مدل مناسب با آزمون F لیمر تعیین شد که نتایج نشان داد مدل تلفیقی مناسب‌تر است. پس از انتخاب مدل، مفروضات شامل همسانی واریانس (با آزمون بروش-پاگان-گادفری)، نرمال بودن باقی‌مانده‌ها و استقلال خطا (با آزمون دوربین-واتسون) بررسی شد. در مواردی که فرض همسانی واریانس رد شد، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای جلوگیری از نتایج نادرست بهره گرفته شد. نرمال بودن داده‌ها با توجه به حجم نمونه بزرگ قابل قبول فرض شد (۸۰۸ سال-شرکت) و استقلال خطا نیز تایید گردید. بدین ترتیب مدل تحلیل به صورت جامع و دقیق برآورد شده است.

جدول (۲): آزمون لیمر و مفروضات مدل

فرضیات	آزمون چاو	مدل	آزمون هاسمن	مدل	آزمون همسانی واریانس	دوربین واتسون
فرضیه اول	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۰/۰۰۰۰	ثابت	عدم همسانی	۱/۷۱
فرضیه دوم	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۰/۰۰۰۰	ثابت	عدم همسانی	۱/۷۱

۸. نتایج حاصل از آزمون فرضیه

فرضیه اول بیان می دارد: بین کنترل‌های داخلی با انعطاف پذیری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳): نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
کنترل‌های داخلی	ICQ	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	۳/۴۳	۰/۰۰۰۶
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۹۹۶	۰/۰۰۹	۱۰۴/۶	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	-۱۵/۲۶	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	Lev	-۰/۱۳۹	۰/۰۰۹	-۱۵/۲۶	۰/۰۰۰۰
C		-۰/۱۳۴	۰/۰۲۵	-۵/۲۶	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین		۹۷۵/۰			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۹۷۱			
آماره F		۲۶۴/۲			
سطح معناداری		۰۰۰۰/۰			

نتایج جدول (۳)، نشان می دهد که ضریب متغیر کنترل‌های داخلی برابر با ۰/۰۰۹ و آماره t آن ۳/۴۳ است که در سطح معنی داری ۰/۰۰۰۶ معنادار می باشد. این بدان معناست که کنترل‌های داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر انعطاف پذیری مالی دارند. با توجه به ضریب مثبت و معنادار متغیر کنترل‌های داخلی، می توان نتیجه گرفت که کنترل‌های داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر انعطاف پذیری مالی شرکت‌ها دارند. بنابراین فرضیه اول تأیید می شود.

در خصوص متغیرهای کنترلی ضریب متغیر بازده دارایی‌ها ۰/۹۹۶ بوده و آماره t برابر ۱۰۴/۶ با سطح معنی داری ۰/۰۰۰۰ است که نشان دهنده تأثیر مثبت و بسیار قوی بازده دارایی‌ها بر انعطاف پذیری مالی است. ضریب اندازه شرکت برابر با -۰/۰۰۶ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰۰ است. این ضریب منفی حاکی از آن است که با افزایش اندازه شرکت، انعطاف پذیری مالی کاهش می یابد. اهرم مالی با ضریب -۰/۱۳۹ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰۰ نیز اثر منفی و معناداری بر انعطاف پذیری مالی دارد. آمار برازش مدل نشان می دهد که ضریب تعیین (R^2) مدل ۰/۹۷۵ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۹۷۱ می باشد که بیانگر قدرت توضیح دهنده بسیار بالای مدل است. همچنین آماره F برابر ۲۶۴/۲ با سطح معنی داری ۰/۰۰۰۰ نشان می دهد که مدل معنادار بوده و متغیرهای مستقل به طور مشترک تغییرات متغیر وابسته را به خوبی توضیح می دهند.

فرضیه دوم بیان می دارد: نقش حمایت مالی دولت بر رابطه بین کنترل‌های داخلی با انعطاف پذیری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

جدول (۴): نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
کنترل‌های داخلی	ICQ	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۲/۲۴۸	۰/۰۲۴۹
حمایت دولت	Subs	-۰/۰۲۵	۰/۰۲۰	-۱/۲۳۶	۰/۲۱۶۸
حمایت دولت* کنترل‌های داخلی	*Subs ICQ	۰/۰۱۶	۰/۰۳۸	۰/۴۲۹	۰/۶۶۷۹
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۹۹۳	۰/۰۱۰	۹۴/۰۱۳	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۴/۹۲۹	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	Lev	-۰/۱۳۸	۰/۰۰۷	-۱۸/۰۸	۰/۰۰۰۰
C		-۰/۱۳۱	۰/۰۱۹	-۶/۶۸۰	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین		۹۷۴/۰			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۹۷۱			
آماره F		۲۵۶/۷			
سطح معناداری		۰۰۰۰/۰			
آماره دوربین واتسون		۱/۷۱			

نتایج جدول (۴)، نشان می‌دهد که ضریب متغیر کنترل‌های داخلی برابر با ۰/۰۰۷ و آماره t معادل ۲/۲۴۸ است که در سطح معنی‌داری ۰/۰۲۴۹ معنادار می‌باشد و این نشان می‌دهد کنترل‌های داخلی همچنان تأثیر مثبت و معناداری بر انعطاف‌پذیری مالی دارند. ضریب متغیر حمایت مالی دولت برابر با -۰/۰۲۵ و سطح معنی‌داری ۰/۲۱۶۸ است. این نتیجه نشان می‌دهد که حمایت مالی دولت به تنهایی تأثیر معناداری بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها ندارد. ضریب متغیر تعاملی حاصلضرب حمایت دولت در انعطاف‌پذیری مالی برابر با ۰/۰۱۶ و سطح معنی‌داری ۰/۶۶۷۹ می‌باشد. این مقدار غیرمعنادار است و بیانگر آن است که حمایت مالی دولت تأثیر تعدیل‌گر معناداری در رابطه بین کنترل‌های داخلی و انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها ایفا نمی‌کند. با توجه به غیرمعنادار بودن ضریب متغیر تعاملی، می‌توان نتیجه گرفت که نقش حمایت مالی دولت در تعدیل رابطه بین کنترل‌های داخلی و انعطاف‌پذیری مالی تأثیر معناداری ندارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود. آمار برازش مدل نشان می‌دهد ضریب تعیین مدل ۰/۹۷۴ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۹۷۱ است که نشان‌دهنده قدرت تبیین بسیار مناسب مدل می‌باشد. در نهایت آماره F برابر ۲۵۶/۷ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰۰ تأیید می‌کند مدل در کل معنادار است.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی بررسی تأثیر کیفیت کنترل‌های داخلی بر انعطاف‌پذیری مالی با نقش حمایت دولت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفت. بر این اساس، سوالات داده‌های ۱۰۱ شرکت که از یارانه دولتی استفاده می‌کنند از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ مورد آزمایش قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین کنترل‌های داخلی و انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به‌طوری که افزایش کیفیت و اثربخشی کنترل‌های داخلی باعث بهبود توان شرکت‌ها در مدیریت جریان‌های نقدی، کاهش ریسک‌های عملیاتی، شفافیت بیشتر اطلاعات مالی و پیشگیری از سوءمدیریت می‌شود. این عوامل در نهایت منجر به افزایش انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها، یعنی توانایی آنها در بهره‌برداری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مقابله با

شوکه‌های اقتصادی، خواهد شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های زو و سونگ (۲۰۲۱) و هائو و ژانگ (۲۰۲۲) همسو است. به ویژه پژوهش هائو و ژانگ بر نقش کنترل‌های داخلی در کاهش ریسک و تقویت تاب‌آوری شرکت‌ها در شرایط بحران تأکید دارد که با یافته‌های این پژوهش نیز همخوانی دارد.

از سوی دیگر، فرضیه دوم تحقیق که بیان می‌کند حمایت مالی دولت نقش تعدیل‌گر معناداری در رابطه بین کنترل‌های داخلی و انعطاف‌پذیری مالی دارد، تأیید نشد. نتایج آزمون نشان داد که متغیر تعاملی حمایت دولت و کنترل‌های داخلی از نظر آماری معنادار نیست و اثر مستقیم حمایت مالی دولت نیز معنی‌دار نبود. این نشان می‌دهد که در چارچوب این مطالعه، حمایت‌های مالی دولت نتوانسته‌اند نقش مؤثری در تقویت یا تضعیف رابطه بین کنترل‌های داخلی و انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها ایفا کنند. این موضوع می‌تواند ناشی از عوامل متعددی باشد، از جمله ناکافی یا نامناسب بودن حمایت‌های دولتی، تأخیر در ارائه کمک‌ها، یا شرایط نهادی و ساختار اداری خاص کشور که ممکن است اثرگذاری سیاست‌های حمایتی را محدود کند. این در حالی است که برخی پژوهش‌ها مانند مطالعه لئو و همکاران (۲۰۲۱) نقش مهمی برای حمایت دولت در بهبود مدیریت عملیات و کاهش ریسک‌های سازمانی قائل شده‌اند و نشان داده‌اند که سیاست‌های حمایتی می‌توانند تاب‌آوری و پایداری عملیاتی بنگاه‌ها را افزایش دهند. همچنین تسایا و باتسیولاس (۲۰۱۹) به تأثیر محیط سازمانی و سیگنال‌های آن بر ادراک فرصت‌های آتی و توسعه تاب‌آوری شرکت‌ها اشاره کرده‌اند. بنابراین، حمایت دولت می‌تواند به عنوان مکمل سازوکارهای بازار عمل کرده و تا حدی مشکلات مالی بنگاه‌ها را کاهش دهد، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این حمایت‌ها به تنهایی کافی نیستند تا اثر قابل توجهی بر ارتباط بین کنترل‌های داخلی و انعطاف‌پذیری مالی ایجاد کنند.

از این رو، یافته‌های این مطالعه اهمیت تقویت کنترل‌های داخلی را برای افزایش انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها، به ویژه در شرایط بحران، برجسته می‌کند و تأکید دارد که حمایت‌های دولتی باید به گونه‌ای هدفمندتر و کارآمدتر طراحی و اجرا شوند تا بتوانند نقش مؤثری در تقویت انعطاف‌پذیری موسسات ایفا کنند. در نهایت به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به بررسی نقش عوامل نهادی و ساختاری کشور در اثرگذاری حمایت‌های مالی دولت بپردازند و با استفاده از داده‌های بلندمدت‌تر و نمونه‌های متنوع‌تر، رابطه بین کنترل‌های داخلی، حمایت دولتی و انعطاف‌پذیری مالی را عمیق‌تر تحلیل کنند. همچنین، مطالعه تأثیر سایر عوامل محیطی و اقتصادی مانند بحران‌های اقتصادی، تغییرات سیاست‌های کلان و نقش فناوری اطلاعات بر تاب‌آوری مالی شرکت‌ها می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی ارائه دهد و به بهبود راهکارهای مدیریت ریسک و افزایش تاب‌آوری کمک کند. تأکید بر استفاده از روش‌های ترکیبی و کیفی نیز می‌تواند به فهم بهتر سازوکارهای تأثیرگذار کمک نماید.

۹. منابع و مآخذ

جاوید، د.، دستگیر، م.، و عرب صالحی، م. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر محافظه‌کاری مشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۷(۲۶)، ۱۵۱-۱۲۵.

حیدری، ز.، و فاضل یزدی، ع. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر هدفمند سازی یارانه‌ها بر عملکرد اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی، شیراز.

حسنی، محمد و میثاقی، مهری (۱۳۹۳). مطالعه کنش سرمایه فکری در بیان انعطاف پذیری مالی. حسابداری مالی، ۶(۳)، ۸۴-۶۷

رحمانی اصل، فاطمه؛ قدیم خانی، ابراهیم و خدادادی، ولی (۱۳۹۹). بررسی انعطاف پذیری مالی، ساختار سرمایه و نقش ریسک بازار مطالعه موردی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۳۳)، صص ۸۸-۱۰۳.

فتحی، سعید؛ گوگردچیان، احمد و بهزادی، عاطفه (۱۳۹۷). بررسی تاثیر ارزش انعطاف پذیری مالی بر سیاست های مالی شرکت ها و هزینه سرمایه سهام با استفاده از مدل گامبا و تریانتیس. چشم انداز مدیریت مالی، ۸(۱)، صص ۲۹-۵۰.

Alexander, C.R.; Bauguess, S.W.; Bernile, G.; Lee, Y.-H.A.; Marietta-Westberg, J. (2013). Economic effects of SOX Section 404 Compliance: A Corporate insider Perspective. *J. Account. Econ.* , 56, 267–290. [Google Scholar] [CrossRef]

Ashbaugh-Skaife, H.; Collins, D.W., Jr.; Lafond, R. (2008). The effect of sox internal control deficiencies and their remediation on accrual quality. *Account. Rev.* , 83, 217–250. [Google Scholar] [CrossRef]

Ambulkar, S.; Blackhurst, J.; Grawe, S. (2015). Firm's resilience to supply chain disruptions: Scale development and empirical examination. *J. Oper. Manag.* , 33–34, 111–122. [Google Scholar] [CrossRef]

Alghanmi, A.O. (2020). Innovations as the competitive advantage for small and medium enterprises: The case for the Kingdom of Saudi Arabia. *Mark. Manag. Innov.* , 2, 196–205. [Google Scholar] [CrossRef]

Albuquerque, R.; Koskinen, Y.; Yang, S.; Zhang, C. (2020). Resiliency of Environmental and Social Stocks: An Analysis of the Exogenous COVID-19 Market Crash. *Rev. Corp. Financ. Stud.* , 9, 593–621. [Google Scholar] [CrossRef]

Bargeron, L.L.; Lehn, K.M.; Zutter, C.J. (2010). Sarbanes-Oxley and Corporate Risk-Taking. *J. Account. Econ.* , 49, 34–52. [Google Scholar] [CrossRef]

Bertrand, M.; Mullainathan, S. (2003). Enjoying the quiet life? Corporate governance and managerial preferences. *J. Political Econ.* , 111, 1043–1075. [Google Scholar] [CrossRef] [Green Version]

Biddle, G.; Hilary, G.; Verdi, R.S. (2009). How does Financial Reporting Quality Relate to Investment Efficiency? *J. Account. Econ.* , 81, 112–131. [Google Scholar] [CrossRef]

Chatzoglou, P.; Chatzoudes, D. (2018). The role of innovation in building competitive advantages: An empirical investigation. *Eur. J. Innov. Manag.* , 21, 44–69. [Google Scholar] [CrossRef]

Chaney, P.K.; Faccio, M.; Parsley, D. (2011). The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms. *J. Account. Econ.* , 51, 58–76. [Google Scholar] [CrossRef] [Green Version]

Chang, X.; Fu, K.; Low, A.; Zhang, W. (2015). Non-executive employee stock options and corporate innovation. *J. Financ. Econ.* , 115, 168–188. [Google Scholar] [CrossRef]

Crichton, M.T.; Ramsay, C.G.; Kelly, T. (2009). Enhancing organizational resilience through emergency planning: Learnings from cross-sectoral lessons. *J. Contingencies Crisis Manag.* , 17, 24–37. [Google Scholar] [CrossRef]

David, B. (2017). Organized labor, audit quality, and internal control. *Adv. Account.* , 36, 11–26. [Google Scholar]

- Ding, D.; Guan, C.; Chan, C.M.; Liu, W. (2020). Building Stock Market Resilience through Digital Transformation: Using Google Trends to Analyze the Impact of COVID-19 Pandemic. *Front. Bus. Res. China* , 14, 21. [Google Scholar] [CrossRef]
- Desjardine, M.; Bansal, P.; Yang, Y. (2019). Bouncing Back: Building Resilience through Social and Environmental Practices in the Context of the 2008 Global Financial Crisis. *J. Manag.* , 45, 1434–1460. [Google Scholar] [CrossRef]
- Doyle, J.; Ge, W.; McVay, S. 2007 (). Accruals quality and internal control over financial reporting. *Account. Rev.* , 72, 1141–1170. [Google Scholar] [CrossRef] [Green Version]
- Du, W.J.; Li, M.J. (2019). Government support and innovation for new energy firms in China. *Appl. Econ.* , 51, 2754–2763. [Google Scholar] [CrossRef]
- Eberly, J.C.; Haskel, J.; Mizen, P.(2021). “Potential Capital”, Working from Home, and Economic Resilience; NBER Working Paper, No. 29431; National Bureau of Economic Research: Cambridge, MA, USA,. [Google Scholar]
- Erol, O.; Henry, D.; Sauser, B.; Mansouri, M. (2010). Perspectives on measuring enterprise resilience. In *Proceedings of the IEEE International Systems Conference*, San Diego, CA, USA, 5–8 April 2010; pp. 587–592. [Google Scholar]
- Fang, H.X.; Chen, Z.H. (2015). Can high quality internal control effectively cope with idiosyncratic and systemic risks? *Account. Res.* , 330, 70–77, 96. [Google Scholar]
- Feng, M.; Li, C.; McVay, S. (2009). Internal Control and Management Guidance. *J. Account. Econ.* , 48, 190–209. [Google Scholar] [CrossRef]
- Gittell, J.H.; Cameron, K.; Lim, S.; Rivas, V.(2006). Relationships, Layoffs, and Organizational Resilience: Airline Industry Responses to September 11. *J. Appl. Behav. Sci.* , 42, 300–329. [Google Scholar] [CrossRef]
- Gunasekaran, A.; Rai, K.B.; Griffin, M. (2011). Resilience and competitiveness of small and medium size enterprises: An empirical research. *Int. J. Prod.* , 49, 5489–5509. [Google Scholar] [CrossRef]
- Hamel, G. (2006). The why, what, and how of management innovation. *Harv. Bus. Rev.* , 84, 72–84, 163. [Google Scholar] [PubMed]
- Hao, S.; Zhang, L. (2022). Can government audit and internal control effectively improve organizational resilience? *Audit. Econ. Res.* , 6, 10–20. [Google Scholar]
- Hu, H.F.; Song, X.S.; Guo, X.F. (2020). Investor protection system and enterprise resilience: Impact and its mechanism of action. *Econ. Manag.* , 42, 23–39. [Google Scholar]
- Hsu, P.H.; Tian, X.; Xu, Y. (2014). Financial development and innovation: Cross-country evidence. *J. Financ. Econ.* , 112, 116–135. [Google Scholar] [CrossRef] [Green Version]
- Hutton, A.P.; Marcus, A.J.; Tehranian, H. (2009). Opaque Financial Reports, R2, and Crash Risk. *J. Financ. Econ.* , 94, 67–86. [Google Scholar] [CrossRef]
- Jankensgård, Håkan, *Managing Enterprise Resilience for Strategic Advantage* (February 19, 2024). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4731333> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4731333>
- Kinsbergen, S.; Molthof, M. (2021). The rise and fall of government support for small-scale voluntary development organizations—And their remarkable resilience. *Dev. Policy Rev.* , 40, e12559. [Google Scholar] [CrossRef]

- Kim, G.S. (2013). Study on the Corporate Social Responsibility—Focus on Change of Business environment and Internal control system. *Kangwon Law Rev.* , 40, 209–236. [Google Scholar]
- Liu, H.; Jiang, J.; Xue, R.; Meng, X.; Hu, S.(2022). Corporate environmental governance scheme and investment efficiency over the course of COVID-19. *Financ. Res. Lett.* , 47, 102726. [Google Scholar] [CrossRef] [PubMed]
- Leisen, R.; Steffen, B.; Weber, C. (2019). Regulatory risk and the resilience of new sustainable business models in the energy sector. *J. Clean. Prod.* , 219, 865–878. [Google Scholar] [CrossRef]
- Liu, T.; Wang, J.; Zhu, Y.; Qu, Z. (2021). Linking economic performance and sustainable operations of China's manufacturing firms: What role does the government involvement play. *Sustain. Cities Soc.* , 67, 102717. [Google Scholar] [CrossRef]
- Marsh, S.J.; Stock, G.N. (2006). Creating Dynamic Capability: The Role of Intertemporal Integration, Knowledge Retention, and Interpretation. *J. P J. Prod. Innov. Manag.* , 23, 422–436. [Google Scholar] [CrossRef]
- Manso, G. (2011). Motivating innovation. *J. Financ.* , 66, 1823–1860. [Google Scholar] [CrossRef] [Green Version]
- Maureen, F.; Melvin, A.; Diane, J. (2018). PCAOB inspections: An analysis of entity—Level and application—level control audit deficiencies. *Int. J. Account. Inf. Syst.* , 30, 19–39. [Google Scholar]
- Ortiz-De-Mandojana, N.; Bansal, P. (2016). The Long-Term Benefits of Organizational Resilience through Sustainable Business Practices. *Strateg. Manag. J.* , 37, 1615–1637. [Google Scholar] [CrossRef]
- Parker, H.; Ameen, K. (2018). The role of Resilience Capabilities in Shaping How Firms Respond to Disruptions. *J. Bus. Res.* , 88, 535–541. [Google Scholar] [CrossRef]
- Petruzzi, J.; Loyear, R. (2016). Improving organisational resilience through enterprise security risk management. *J. Bus. Contin. Emerg. Plan.* , 10, 44–56. [Google Scholar]
- Peng, M.W.; Sun, S.L.; Pinkham, B.; Chen, H. (2009). The institution-based view as a third leg for a strategy tripod. *Acad. Manag. Perspect.* , 23, 63–81. [Google Scholar] [CrossRef] [Green Version]
- Rikhardsson, P.; Rohde, C.; Christensen, L.; Batt, C.E. (2021). Management controls and crisis: Evidence from the banking sector. *Account. Audit. Account. J.* ; 34, 757–785. [Google Scholar]
- Tsiapa, M.; Batsiolas, I. (2019). Enterprise resilience in regions of Eastern Europe during the period 2007–2011. *Post-Communist Econ.* , 31, 19–35. [Google Scholar] [CrossRef]
- Teece, D.J.; Pisano, G.; Shuen, A. Dynamic capabilities and strategic management. *Strateg. Manag. J.* 1997, 18, 509–533. [Google Scholar] [CrossRef]
- Wang, N.N.; Li, D.Y.; Cui, D.F.; Ma, X.L. (2022). Environmental, social, governance disclosure and corporate sustainable growth: Evidence from China. *Front. Environ. Sci.* , 10, 1015764. [Google Scholar] [CrossRef]
- Wang, X.L.; Fan, G.; Yu, J.W. (2018). China Marketization Index Report by Provinces; Social Science Literature Press: Beijing, China,. [Google Scholar]
- Wang, Y.G.; Gao, J. (2020). COVID-19 shock, economic resilience and China's high-quality development. *Econ. Manag.* , 42, 5–17. [Google Scholar]

Zhu, P.; Song, J. (2021).The Role of Internal Control in Firms' Coping with the Impact of the COVID-19 Pandemic: Evidence from China. Sustainability , 13, 6294. [Google Scholar] [CrossRef]

Zhang, G.Y.; Zhang, C.; Liu, W.Q. (2020).Turning crises into safety: A review and prospect of organizational resilience research. Econ. Manag. , 42, 192–208. [Google Scholar]

Investigating the role of government financial support on the relationship between internal control and financial flexibility

Rasoul Farsad¹
Samira Honarbakhsh^{*2}

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between internal controls and financial flexibility of companies listed on the Tehran Stock Exchange, with an emphasis on the moderating role of government financial support. To this end, data from 101 companies over the period 2016–2023 were collected and analyzed using multiple regression models. The results showed that internal controls have a positive and significant effect on companies' financial flexibility, improving their financial capacity and reducing financial constraints. However, the variable of government financial support and its interactive effect with internal controls were not statistically significant and did not play a meaningful moderating role. Therefore, it is recommended that companies strengthen their internal control systems and reduce reliance on governmental financial support in order to enhance their financial flexibility.

Keywords

Internal Controls, Financial Flexibility, Government Financial Support, Tehran Stock Exchange

1. Department of accounting, Zarrin Dasht Branch, Islamic Azad University, Zarrin Dasht, Iran.

2. Department of accounting, Zarrin Dasht Branch, Islamic Azad University, Zarrin Dasht, Iran.

(*Corresponding Author: samirahonar@gmail.com).